

مطالعات قرآنی

پژوهشگران

هند و مذهب

مقاله

فیضان جعفرعلی ترجمه: محمدرضی معروفی

اشاره

قرآن مجید سنگ بنای تمدن اسلامی است و مسلمانان آموزه‌های قرآنی را الگو و سرمشق زندگی خودشان قرار داده و مورد مطالعه قرار می‌داده‌اند و می‌دهند. از سوی دیگر محققان غیرمسلمان نیز با انگیزه اینکه قرآن کتاب مقدس اسلام است، آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در میان پژوهشگران غیرمسلمان، محققان هند و مذهب نیز توجه خاصی به قرآن و مفاهیم قرآن داشته‌اند. اگر به تاریخ مطالعات قرآنی هندوان نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که از همان قرن سوم راجگان هندو علاقه به مفاهیم قرآنی داشته‌اند. چنان که در مورد یکی از راجه‌های سند «راجه مهرگ» (وی در مناطق کشمیر حکومت می‌کرد) نوشته شده است که وی در سال ۲۷۰ هجری به حاکم شهر منصوره عبدالله بن عمر نامه فرستاد که کسی را برایم بفرست که زبان هندی بلد باشد و بتواند برایم قرآن را به زبان هند یا سندی ترجمه کند. بنابراین کسی برای پادشاه معرفی می‌شود که به چندین زبان تسلط داشت و او ظرف سه سال قرآن را برای راجه مهرگ ترجمه می‌کند. راجه از خواندن مطالب قرآنی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.^۱ به نظر می‌رسد هنگامی که اسلام وارد شبه قاره هند شد، بلافاصله هندوان در جستجوی درک مبانی اسلام بوده‌اند و می‌خواستند با مفاهیم کتاب مقدس مسلمانان آشنا شوند، اما از قرن سوم و چهارم به بعد سراغی درباره ترجمه یا پژوهشی در رابطه به اینکه آیا هندوان قرآن را ترجمه کرده‌اند نداریم. علت نبود آن شاید این باشد که در قرن‌های بعدی، هند شاهد حملات پی در پی مسلمانان بوده

۱. هند و عرب کی تعلقات، ص ۲۴۱.

چکیده: در میان پژوهشگران غیرمسلمان، محققان هندو مذهب توجه خاصی به قرآن و مفاهیم آن داشته‌اند. نوشتار حاضر ترجمه مقاله‌ای است که در اوایل ۲۰۱۴ میلادی در یکی از مجله‌های مذهبی و فرهنگی دهلی هند، به نام مجله «ناصر» به زبان اردو، منتشر شده است. با توجه به اهمیت موضوع که نوعی منبع شناسی راجع به تحقیقات قرآنی توسط پژوهشگران هندو مذهب است، مترجم اقدام به ترجمه مقاله مذکور کرده است. نویسنده مقاله، کارهای پژوهشی محققان هندو مذهب در زمینه علوم قرآنی را به دو بخش تقسیم کرده است: بخش نخست، متعلق به ترجمه‌های قرآن است و بخش دوم، مربوط به پژوهش‌های مستقل محققان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مطالعات قرآنی، مذهب هندو، منبع شناسی، تحقیقات قرآنی، پژوهشگران هندو مذهب.

زبان و ادبیات تیلگو در اناتپورا کالج (ایالت آندراپرادیش) بوده است. او وقت زیادی در این کار ترجمه گذاشت تا کار را انجام دهد و ترجمه را از سال ۱۹۱۵م شروع کرده و در سال ۱۹۳۰م به تکمیل رساند و در سال ۱۹۳۸م توسط انتشارات شاردا پریس بنارس دوباره به منتشر شد. این ترجمه مشتمل بر یک جلد و ۷۵۴ صفحات است. مترجم در آغاز این کتاب مطالبی در مورد عرب و تاریخ اسلام داشته است که عناوین آن بدین ترتیب است: ۱. عرب و عاداتشان ۲. سیرت محمد (ص) ۳. اسلام. او هنگام ترجمه از کسانی کمک می‌گرفته است که با زبان و احادیث عربی آشنا بوده‌اند و آیه به آیه آن را ترجمه کرده است.^۴

۴. پریم سرن پرنیت (prem saran prant) قرآن را به سه بخش ترجمه کرده که از میان آن تنها بخش اول و دوم که مشتمل بر ترجمه سوره‌های الفاتحه، بقره، مائده و سوره انعام بود در سال ۱۹۴۰م از انتشارات پریم پستکالیه، آگرا به چاپ رسیده است، ولی بخش سوم در کتابخانه کاشی آریا سماج در شهر بنارس نگهداری می‌شود. مترجم در آغاز ترجمه می‌گوید که او از اندیشه آقای ماهاتما گاندی خیلی متأثر شده و به حکم آقای سوامی برهمانند سرسوتی (Brahmanand sarasvati) دست به این کار زده که هدفش گسترش دادن آموزه‌های قرآنی در میان مردم هندو مذهب بوده است.^۵

۵. پاندت رام چندر دهلوی (Pandit Ram chandra dehlavi) به زبان عربی خیلی تسلط داشت. او بخش‌هایی از قرآن را به زبان هند ترجمه کرد که جناب سوامی دیانند سرسوتی در کتاب خودش «ستیا رتا پراکاش» مورد نقد قرار داده بود. این ترجمه در سال ۱۹۴۳م مشتمل بر ۳۶ صفحه به چاپ رسید. ترجمه از یک طرف صفحه عربی و در صفحه دیگری ترجمه است، ولی آغاز و انجام کتاب افتاده و در کتابخانه کنیا مها و دیالیا بنارس نگهداری می‌شود.^۶

۶. نند کمار اواستهی (nand kumar awasthi) در سال ۱۹۶۹م قرآن را به زبان هندی ترجمه کرده و این کتاب همراه با تلفظ عربی به هندی نیز است. البته این متن از روی ترجمه‌های مستند انگلیسی قرآن ترجمه شده است. بعد از این پسرش وینیه کمار اواستهی نیز با تشویق پدرش ترجمه دیگری از قرآن را انجام داده است.^۷

۷. رمیش لاکیش واران (Ramesh Lakesh Varad) ۱۰۶۵ آیه قرآنی را به عنوان «قرآن ساترامو» به زبان تیلگو ترجمه کرده و در سال ۱۹۷۴م انتشارات گاندی ساهیتیا پراچرانالیمو، چکاداپلی حیدرآباد آن را چاپ کرده است.^۸

است و مسلمانان به معابدشان حمله برده و آن را تخریب کردند و هندوان در مقابل آنان احساس تنفر می‌کرده‌اند و ضرورتی نمی‌دیدند که مبانی اسلامی را بخوانند یا مورد مطالعه قرار بدهند؛ چرا که از اعمال مسلمان‌ها پی می‌بردند که اینها بر اساس مبنای اسلامی این کار را انجام می‌دهند و از سوی دیگر هنگامی که مسلمانان در شبه قاره هند به اقتدار رسیدند، نیازی به ترجمه قرآن به زبان هندویی یا محلی و... نبوده است؛ چرا که در حکومت آنان، زبان عربی و فارسی در مدارس و مراکز علمی آن زمان آموزش داده می‌شد. از این رو هندوان نیز زبان‌های عربی و فارسی را یاد می‌گرفتند و از این طریق شاید قرآن را مطالعه می‌کرده‌اند، ولی بعد از ورود انگلیسی‌ها در شبه قاره هند، سازمانی در اوایل قران نوزدهم میلادی به نام فورت ولیم کالج با هدف ترجمه کتاب‌های فارسی و اردو و سانسکریت و... به زبان‌های مختلف دایر شد که ترجمه‌نویسی در جامعه هند را ارتقاء بخشید. بنابراین در قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی ما شاهد ترجمه‌ها و پژوهش‌های قرآنی توسط محققان هندو مذهب در شبه قاره هستیم که کارهای قابل توجهی برای درک مبانی اسلام و مفاهیم قرآنی کرده‌اند و خواستند تا آنها را برای هم‌کیشان‌شان ارائه دهند.

در این نوشتار بر آن شدیم تا پژوهش‌های کسانی را که بیشتر نگاه مثبتی به قرآن داشته‌اند اجمالاً معرفی نماییم تا خوانندگان محترم با کارهای پژوهشی محققان هندو مذهب آشنا گردند. البته گفتنی است که همه تحقیقات و ترجمه‌های محققان هندو تحت تأثیر ترجمه‌ها و تحقیقات علمای اهل سنت است. ما کارهای علمی و پژوهشی آنان را به دو بخش تقسیم کرده‌ایم. بخش اول متعلق به ترجمه‌های قرآن است و بخش دوم مربوط به تحقیقات و پژوهش‌های آنان.

ترجمه‌ها

۱. گریش چندراسین (Grish chandrasin) قرآن را به زبان جدید بنگالی ترجمه کرده است. این ترجمه در سال‌های ۱۸۸۱-۱۸۸۶م مشتمل بر سه جلد و بدون نصوص عربی به چاپ رسیده است.^۹

۲. سرکار خانم ستیادیوی جی (Satya Deviji) به زبان ساده و سلیس هندی قرآن را ترجمه کرده که در سال ۱۹۱۴م انتشارات تارا اینترنالی، بنارس آن را به چاپ رساند. از این ترجمه نسخه‌ای که ظاهراً جزء اول آن بوده است در بخش نسخه خطی کتابخانه پندنی کنیا و دیالیا بنارس نگهداری می‌شود. نسخه موجود صرفاً در بردارنده ترجمه سوره فاتحه و بقره است.^{۱۰}

۳. پروفیسور دکتر چلوکوزی نارائن راد (Dr. chelocoz narain rad) (۱۸۹۰-۱۹۵۱م) نیز قرآن را در سال ۱۹۳۰م به زبان تیلگو ترجمه کرد. وی استاد

۲. هند و علما و مفکرین کی قرآنی خدمات، ص ۲۱.

۳. پیشین، ص ۱۶.

4. T.I.Chinnaiah, page. 1-5.

۵. هند و علما و مفکرین کی قرآنی خدمات، ص ۱۳-۱۴.

۶. همان، ص ۱۳-۱۴.

۷. همان، ص ۱۳-۱۴.

8. T.I.Chinnaiah, page. 15.

عنوان Ethics of Glorious Koran به رشته تحریر درآورده که در سال ۱۹۹۰م برودا گود کومپینینس پریس آن را منتشر کرد.

۳. پندت سوندر لال (Pandit Sundarlal) کتاب مقدس هندوان «گیتا» و قرآن را مورد بررسی قرار داده و اشتراکات موجود آن دو را مورد مطالعه قرار داده است. کتابش اولاً به عنوان گیتا و قرآن (the Gita and Quran) توسط انتشارات ایندو میدل ایست کلچرل استدیو حیدرآباد به زبان انگلیسی چاپ شد و بعدها به زبان های هندی و اردو نیز ترجمه شده و با نام «گیتا اور قرآن» منتشر شده است. ترجمه اردوی این کتاب مشتمل بر ۲۷۰ صفحه است و در سال ۱۹۳۶م از انتشارات وشوانی پریس اله آباد به چاپ رسیده است.

۴. لاکشمن آریوپدیشک (Lakshman Arayupdesik) نیز کتابی به نام «ویدا و قرآن» به زبان هندی نوشته است. وی در این کتاب تعلیمات قرآنی و کتاب مقدس هندوان «ویدا» را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب در سال ۱۹۴۱م توسط سازمانی به زبان اردو ترجمه شده است. انتشارات ویدک پستکالیه آریه سماج برلا لائنس دهلی آن را در دو جلد و حدود ۴۰۰ صفحات منتشر کرده است.

۵. وینوبها (Vinobha) کتابی راجع به ماهیت قرآن به زبان انگلیسی نوشت. مؤلف کتاب را با نام ماهیت قرآن (The Essence of Quran) در سال ۱۹۶۲م مشتمل بر ۲۵۵ صفحه از انتشارات سرو سیوا پرکاشن به چاپ رساند. با توجه به مطالب خوبی که در این پژوهش بیان شده است، همان انتشارات آن را در سال ۱۹۶۶م به زبان هندی ترجمه کرده و با عنوان «قرآنسار» به چاپ رساند. مؤلف در این نگارش سعی کرده است موضوعات قرآنی همچون نماز، روزه، صفات خدا، توحید، آخرت و قیامت را مورد بررسی قرار داده، عقاید هندوان را نیز نسبت به اینچنین موضوعات ذکر کند.

۶. پندت رگونات پرساد مشرا (Pandit raghunath Parsad Mishra) نیز در کتاب خودش «قرآن آدرش» (قرآن مثالی) موضوعات قرآنی چون جنت و دوزخ، موت و حیات، پیامبر و انبیاء و نماز و... را مورد مطالعه قرار داده است. این اثر او مشتمل بر ۱۶۹ صفحه است و در سال ۱۹۱۴م توسط استیم پرنیتینگ پریس لکهنوبه چاپ رسیده است.

۷. آقای مهیندر آریا (Mahendra Arya) کتابی به عنوان «ویدا اور قرآن کی سمیکچا»، یعنی تعریفی از قرآن و ویدا، مشتمل بر ۱۵۴ صفحه به روش مکالماتی به رشته تحریر درآورده است، اما وی در این کتاب با لهجه تعصب آمیز سخن گفته است و همه مطالب قرآن را در مقابل کتاب مقدس هندوان کمتر قرار داده و بر موضوعات قرآنی نقد می کند. البته روش آن در این پژوهش علمی نیست و خودش بر زبان عربی تسلط نداشته و از ترجمه های موجود قرآن استفاده کرده است.

۸. وینیه کمار اواستهی (Vinay Kumar Awashti) تفسیر قرآن از مولانا عبدالمجید دریآبادی را به زبان هندی ترجمه کرده که جلد اولش مشتمل بر ۵۱۲ صفحات بوده و توسط انتشارات لکهنو کتاب گهر به چاپ رسید.^۹

۹. ستیادیوورما (Satyadev Varma) قرآن را به زبان سانسکرت ترجمه کرد و «سانسکرت قرآن» نام گذاشت. این کتاب را انتشارات لکشمی پبلیکشن دهلی نو در سال ۱۹۹۰م به چاپ رساند. مترجم در مقدمه، موضوعاتی از قرآن همچون صفات خدا، دین، ازل و ابدیت، عذاب و تناسخ ارواح را بیان کرده با کتاب های مقدس هندوان تطبیق داده است.^{۱۰}

۱۰. کونیور رگوان نیر (Koniver Raghuvan Nayer) یکی از دانشمندان هندی بوده که بر زبان های سانسکرت و ملیالم تسلط داشته است. او بر اساس ترجمه انگلیسی قرآن توسط یوسف علی، قرآن را به زبان ملیالم ترجمه کرده است و بنا بر ناآشنایی با زبان عربی دچار اشتباهات زیادی شده است.^{۱۱}

۱۱. وینیکاتا (Vinaikata) قرآن را به زبان تیلگو ترجمه کرده و آقای س. ن. کریشنان راو که مدیر یکی از روزنامه معروف هند «سدگرو» بوده، قرآن را به زبان ملیالم ترجمه کرده است.^{۱۲}

علاوه بر آن کسانی که سوره های مختلف قرآن همچون سوره یاسین، الرحمن والملك را به زبان هایی چون هندی، بنگالی و... ترجمه کرده اند عبارتند از: بسلا کمار بنرجی (Bisla kumar banarji) در سال ۱۹۳۷م، دیوانا چرن بنرجی (Devna charan Banarji) در سال ۱۸۸۲م، رام چندرناته مشرا (Ram chandra Nath Mishra) در سال ۱۹۹۷م.^{۱۳} همچنین پریم شرن جی (Prem sharanji) ترجمه های سوره اعراف، انفال، توبه، یونس، هود، یوسف، رعد و سوره ابراهیم را به عنوان «قرآن: مول اور بهاشانواد» از انتشارات پریم پستکاله ج. ایس. پرنیتینگ پریس آگره به چاپ رساند.

تحقیقات مستقل

۱. ر. ب. هریش چندرا (R.B. Harish Chandra) پژوهشی با عنوان Khuda Quranic Philosophy نوشت که این کتاب مشتمل بر ۹۸ صفحات است و در سال ۱۹۷۹م از انتشارات پریچیه اورسزدهلی به چاپ رسید.

۲. منگل ا. بوچ (Mangal I. Buch) کتابی مشتمل بر ۸۸ صفحه با

۹. هند و علما و مفکرین کی قرآنی خدمات، ص ۱۳-۱۴.

10. SanskritanKuranam.

۱۱. هند و علما و مفکرین کی قرآنی خدمات، ص ۲۱.

۱۲. همان، ص ۲۰.

۱۳. همان، ص ۲۲.

زبان سانسکریت هستند. با توجه به این واژه‌شناسی کلمات قرآنی این کتاب حائز اهمیت و ارزشمند است.

۱۳. مگن لال ای-بوچ کتابی به نام اخلاق قرآن (Ethics of quran) دارد که در سال ۱۹۷۷م و در ۱۲۹ صفحه توسط نشر برودا چاپ شده است. مؤلف پژوهش‌های مختلفی درباره مذاهب گوناگون داشته است. وی در مقدمه کتاب اظهار نظری کند که وی با انگیزه فهم و درک مبانی اصلی اسلام، این کتاب را بر اساس ترجمه‌های انگلیسی قرآن نوشته است و می‌نویسد که بنده خواستم هندوان مفاهیم قرآنی را درک کرده و به آن مبانی اسلامی که مشترک با مفاهیم کتاب‌های مقدس آنان است احترام بگذارند. این کتاب مشتمل بر دو بخش است که در بخش اول فلسفه قرآن را بیان کرده و در بخش دوم موضوعات مختلف قرآنی را مورد بررسی قرار داده است که این بخش به هفت جزء تقسیم شده است.

نتیجه

محققان هندو همانند مستشرقان در قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی پژوهش‌هایی با نگاه مثبت و منفی درباره قرآن و موضوعات قرآنی داشته‌اند و بعضی از آنها مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی قرآن را با کتاب‌های مقدس هندوان چون گیتا، ویدا و... مقایسه کردند و خواستند با این کار نشان دهند که پیام و آموزه‌های اخلاقی هر دو یکی است. با توجه به اینکه مسلمانان دین هندوان را الهی نمی‌پندارند، مطالعات قرآنی آنان حائز اهمیت است و نیاز است که در یک تحقیق مستقل همه آثار پژوهشی آنان بررسی شود.

کتابنامه

۱. آریو پدیشک، لکشمی؛ وید اور قرآن؛ نشر ویدک پستکالیا آریا سماج بر لائنس، دهلی، ۱۹۴۱م.
۲. سندرلال؛ گیتا اور قرآن؛ نشر وشنوایی پریس اله آباد، ۱۹۳۶م.
۳. ندوی، سید سلیمان؛ هند و عرب کی تعلقات؛ نشر هندوستانی آکادمی اله آباد یوپی، ۱۹۳۰م.
۴. وزیر حسن؛ هندو علما و مفکرین کی قرآنی خدمات؛ ترجمه اورنگ زیب اعظمی؛ نشر دارالنواد، آصف پربنتگ پریس، لاهور، ۲۰۰۵م.
5. A.P.Mukundan, Congruencies of funamentalis in the Quran and Bhagwat Gita, pulisheds amkaleen prakashan, new delhi 1990
6. Bandisrinivasa Rao, Christ in the Quran and Bible, published bandi brothers, west godawari, AP. 1975
7. Maganlal A. Buch, The Ethics of Quran, Baroda 1997
8. O.P.Ghi, Selections from the Quran, Sterling publishers, new delhi 1992
9. PanditSundarlal, The Gita and Quran, InSTITUTE of indo Middle east Culture studies, Hydrabad 1957
10. Satya DeoVerma, SanskritKuranam, Vishwa Sanskrit Pratishthan, Haryana, 2040 Vikrami
11. T.I.Chinnaiah, Literature on Islam in Telgu Language, Published M.Lit. Thesis, Osmania University, Hydrabad 1976

۸. موکندن هم کتابی به نام اصول مشابه در قرآن و گیتا (Congruen- cies of fundamentals in the quran and the bhagwatgita) مشتمل بر ۴۲ صفحات نوشته که در سال ۱۹۹۰م انتشارات سمکالین پرکاش به چاپ رسانده است و همچنان که از عنوان مشخص است مؤلف خواسته اشتراکات آموزه‌های قرآنی و گیتا را به میان بیاورد. با توجه به مطالعه این کتاب به نظری می‌رسد که وی می‌خواسته بر اساس نکات مشترک یکی از ویژگی‌های بارز هر دو، یعنی حفظ و سلامتی افراد نیک و صالح و از بین رفتن فاسدین، را بیان کرده و جامعه را پیام سلامتی و امن بدهد.

۹. او- پی- گهای پژوهشی با عنوان منتخبات از قرآن (selections from the quran) به رشته تحریر درآورده است که در سال ۱۹۹۲م از انتشارات انستیتوت آف پرسنل دیپلومنت استرنلنک دهلی چاپ شده است. این کتاب با سرسخنی از پروفیسور رشیدالدین خان آغاز می‌شود است. سپس مؤلف بعد از مقدمه‌ای سیرت پیامبر اکرم (ص) و نزول وحی بر آن حضرت را اجمالاً مورد بحث قرار می‌دهد. سپس مبانی اسلام را با عناوین ذیل مورد بررسی قرار می‌دهد: ۱. ایمان بالله ۲. نماز پنج‌گانه ۳. درباره اموال خیریه و رفتار حسنه با پدر و مادر و همچنین با همسایه و یتیم و... ۴. روزه‌ها ماه رمضان ۵. مناسک حج و..

۱۰. باندی سری نواس راو، برای اثبات عیسائیت از دیدگاه قرآنی، پژوهشی بنام مسیحیت در قرآن و با بیل (Christ in the quran and bible) نوشته است که انتشارات برادر باندی گوداوری در سال ۱۹۷۵م آن را به چاپ رسانده چاپ است.

۱۱. سی. ای. مودی راج به زبان اردو کتابی به نام عظمت قرآن «قرآن شریف کی عظمت» به رشته تحریر درآورد و موضوعات و آیات قرآنی مورد علاقه خودش را مورد بحث قرار داده است. انتشارات ابوالکلام آزاد اورینتل ریسرچ انستیتوتی حیدرآباد آن را مشتمل بر ۶۰ صفحه به چاپ رسانده است. آقای مودی راج در مقدمه‌اش اظهار نظر می‌کند که بیشتر مردم با عظمت و مفاهیم قرآنی آشنا نیستند؛ چرا که آنان قرآن را با بصیرت و آگاهی نخوانده‌اند، در حالی که قرآن گوشه‌های مختلف زندگی را بیان کرده است و قرآن مردم را دعوت به فکر و تدبیر می‌دهد و آنان را در قضاوت آزاد ساخته است. همچنین مؤلف می‌افزاید که آموزه‌های قرآنی با منطق و عقل سازگارند و تنها متعلق به یک فرقه و یا یک مذهب نیست، بلکه برای همه انسان‌ها است.

۱۲. چندر بلی پاندی در سال ۱۹۴۵م کتابی به نام قرآن مین هندی نوشته است که نشر سرسوتی مندر بنارس در ۵۹ صفحه آن را به چاپ رسانده است. وی در این کتاب سعی می‌کند تا توسط مفاهیم قرآنی روابط پیامبر اکرم را با اقوام هندی بیان کند. بنابراین کلماتی چون توبه، مشک، کافور، زنجبیل، نمارق، استبرق و غیره که در قرآن آمده است را بررسی کرده و اظهار نظر می‌کند که این همه کلمات در اصل از واژگان